

ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران معاصر

(مطالعه موردی حزب توده و حزب اراده ملی)

غلامرضا ضابطپور 1

تاریخ دریافت: 80 9/ 10/

تاریخ تایید: 80 10/ 13/

از مسائل مهم درباره احزاب سیاسی در ایران، نهادینه نشدن آنهاست. علی رغم فضای باز سیاسی در برخی مقاطع زمانی، تا کنون حزبی تعریف شده و دارای ساختار و کارویژه های حزبی در ایران شکل نگرفته است. مقاله حاضر با تبیین کارویژه های حزب و تطبیق آنها بر حزب توده در قبل و بعد از انقلاب اسلامی و حزب اراده ملی، عملکرد این دو حزب و علل ناکارآمدی آنها را مورد بررسی قرار داده است.

واژه های کلیدی: احزاب، حزب توده، حزب اراده ملی.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در صحنه سیاسی ایران بعد از انقلاب مشروطیت، احزاب و تشکل های مردمی است که به رغم سابقه يك صد ساله، هیچ حزب و تشکیلات منسجم و قوام یافته فراگیری که نماینده واقعی بخشی از طبقات اجتماعی باشد شکل نگرفته است. این مقاله بر آن است تا علل نهادینه نشدن احزاب را با وجود فضای باز سیاسی در برخی مقاطع زمانی، تبیین کند.

حزب سیاسی

احزاب سیاسی در معنای جدید خود دارای سابقه طولانی نیستند و پیشینه آنها به کمتر از دو سده پیشتر می رسد. بنابراین در تعریف احزاب سیاسی نباید در جست وجوی پدیده ها یا شاخصه هایی باشیم که بسیار پیشتر از این تاریخ بودند؛ چنانچه برخی معتقدند سابقه احزاب به صدها سال قبل برمی گردد. شاخصه ها و عناصر احزاب جدید به قرار زیر است:

اول آن که از طریق انتخابات و مبارزات پارلمانی قدرت سیاسی را به دست آورند، مبارزه مسالمتآمیز را برای کسب کرسی های بیشتر و تشکیل حکومت گسترش دهند، به

جاد نظم و ارتباط در اعضا از طریق را بگیری و محافل ویژه حزبی اقدام نمایند و دارای سلسله مراتبی باشند که حافظ انسجام و هماهنگی حزب باشند؛
دوم آن که دارای جهان بینی، ایدئولوژی، شعار، فلسفه سیاسی، جهت گیری طبقاتی، استراتژی و تاکتیک مبارزه باشد؛

سوم آن که تلاش کنند تا قدرت سیاسی را مستقیماً در دست گرفته یا در آن شریک شوند تا در پرتو آن بتوانند به اهداف مادی و غیرمادی خود دست یابند.
بعضی از محققان نظیر لاپالومبارا و واینر سعی کرده اند که به جای ارائه تعریف، از طریق شناسایی و برشمردن عوامل حزب، این پدیده اجتماعی را مشخص کنند. بر این اساس آنها حزب را دارای ویژگی ذیل می دانند:

1 - دارای سازمان های پایدار و مرکزی و رهبریکننده است، یعنی تشکیلات حزب با مردن رهبران و بنیادگذاران حزب از هم نپاشد؛

2 - دارای سازمان های محلی پایدار هستند که با سازمان مرکزی حزب پیوند همیشگی و گونه گون دارند؛

3 - رهبری مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در پهنه کشور، خواه به تنهایی یا به یاری حزب های دیگر، به دست گیرند و آنها را رهبری و اداره کنند و نباید تنها به اعمال نفوذ بر قدرت سیاسی حاکم بسنده کنند؛

4 - از پشتیبانی توده مردم برخوردار باشد.2

با عنایت به شاخصه هایی که برای احزاب سیاسی برشمردیم، می توان حزب سیاسی را این گونه تعریف کرد: حزب به گروهی از افراد اطلاق می شود که براساس اصول و هدف های مشترک در سازمانی متشکل شده و برای رسیدن به هدف ها و اجرای اصول موردنظر درصدد کسب قدرت از راه های قانونی و مجاز هستند.

کارویژه های احزاب سیاسی

احزاب سیاسی کارویژه هایی را در زندگی اجتماعی عهده دار هستند که در تحقق دموکراسی و حاکمیت ملی نقش حیاتی دارد و لازم است تبیین شود. درباره وظایف و کارویژه های احزاب دیدگاه های مختلفی ارائه شده است که در این جا به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

1 - شکل دادن به افکار عمومی: به این بیان که ((احزاب با ارائه يك برنامه و خطمشی، موجد فکری جمعی می شوند که زیر پوشش آن، افراد پراکنده به نوعی وحدت سیاسی می رسند... بدون وجود برنامه ها و بحث پیرامون مسائل و نقطه نظرها، فرد از حداقل آگاهی نیز محروم و از اعمال سهم خود در حق حاکمیت باز می ماند... پیچیدگی زندگی امروز به فرد امکان نمی دهد که به تنهایی به کسب اطلاعات لازم و سپس تحلیل آنها بپردازد و در نتیجه راه سیاسی خود را انتخاب کند))3؛

2 - معرفی کاندیداها (نامزدها): عموم مردم که قسمت زیادی از اوقات خود را صرف

امور زندگی می کنند، معمولا فرصت و همچنین تخصص کافی برای بررسی و شناخت افراد لایق برای تصدی مقام های سیاسی را ندارند؛ به علاوه اگر قرار باشد که هرکس خود به دنبال شناخت و معرفی کاندیدای موردنظر برود، جامعه سیاسی دچار بی نظمی و آشفتگی می شود. از این رو احزاب با مداخله در این امر و معرفی کاندیداهای لازم، روند تعیین کاندیداها را منظم کرده و مشکل را حل می کنند. گام بعدی حمایت از نامزدهای انتخاباتی و تلاش برای متقاعد کردن مردم به رای دادن به آنهاست. حزب این کار را با حمایت مالی از مبارزات انتخاباتی و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و وسایل ارتباطی در دسترس خود انجام می دهد؛

3 - سیاست گذاری: هر حزب سیاسی ناگزیر است که اهداف و برنامه های خود را برای مردم تشریح کند تا مردم بتوانند از میان دیدگاه ها و برنامه های مختلف، برنامه ای را انتخاب کنند که به اهدافشان نزدیک تر است. بنابراین احزاب می کوشند تا فراگیرترین شعارها را برای افکار عمومی عرضه بدارند تا در جلب اکثریت آرا موفق شوند؛

4 - افزایش آگاهی مردم: یعنی آگاه ساختن مردم از تصمیم ها و مقاصد قدرت سیاسی. این عمل ممکن است به دو صورت صورت پذیرد: یکی، تأیید تصمیمات دولت که معمولا در سیستم تک حزبی اعمال می شود و دیگری، نفی و نقد این تصمیمات که در نظام های چند حزبی و از طرف احزاب خارج از هیأت حاکمه انجام می شود؛

5 - تجمیع و انعکاس مطالبات مشروع و قانونی مردم به نظام: نظام های سیاسی با انبوهی از تقاضای، بعضا متعارض مردم روبه رو هستند که پاسخ گویی به همه آنها عملا غیرممکن است؛ از این رو نقش احزاب سیاسی در تجمیع خواسته ها و علایق پراکنده بسیار موثر است؛

6 - نظارت بر قدرت سیاسی و کنترل آن: احزاب خارج از هیأت حاکمه به عنوان دولت در سایه عمل می کنند و برای تمهید زمینه های پیروزی در انتخابات آینده، عملکرد دولت را زیر ذره بین نظارت قرار می دهند؛

7 - ایجاد محیطی مسالمتآمیز جهت حل و فصل اختلافات: احزاب به علت عمل کردن در چارچوب قانون، زمینه رقابت سالم و آرامی را برای کسب قدرت فراهم می آورند؛

8 - آموزش سیاسی: از آن جا که توده مردم در قبال فعالیت های حکومت بی احساس و بی اعتنا هستند، لازم است تا آنها را از این بی تفاوتی درآورد و به صحنه های سیاسی کشاند، که احزاب در این راستا نقش موثری ایفا می کنند. به طور کلی احزاب آموزش سیاسی را در دو سطح انجام می دهند: الف) آموزش در سطح عمومی که از طریق نشریات و رسانه های گروهی، اهداف و آرمان ها و برنامه های خود را به مردم القا می کنند؛ ب) آموزش در سطح خصوصی که در این سطح به آموزش افراد و اعضای حزب می پردازند تا تشکیلات و سازمان حزبی در پرتو وجود اعضای آگاه و متعهد به حزب پایدار بماند و حزب بتواند برای مناصب مختلف سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی و به طور کلی رهبری جامعه، نیروهای کارآمدی تربیت کند. اینک به مطالعه موردی دو حزب ((توده)) و ((اراده ملی)) می پردازیم.

1. حزب توده

در میان احزاب و تشکل های سیاسی دهه 1320، بی شک حزب توده نیرومندترین و سازمان یافته ترین نیروی حزبی ایران بود که مدتی بدون رقیب در عرصه سیاست کشور پیش رفت و توانست از آغاز دهه بیست تا سال های پس از انقلاب اسلامی در طول بیش از چهل سال با فراز و نشیب های زیاد در داخل و خارج از کشور فعالیت کند.

الف) حزب توده قبل از انقلاب اسلامی

حزب توده با در پیش گرفتن سیاست ترور و خشونت عملا تمایلات مارکسیستی - لنینیستی خود را نشان داد، ولی تا قبل از کنگره دوم سعی کرد تمایلات مارکسیستی خود را ظاهر نسازد؛ البته در داخل حزب از همان آغاز، اصول مارکسیسم - لنینیسم برای کادرها تدریس می شد؛ اما حزب از اعلان مواضع و اهداف مارکسیستی خود با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران و بافت مذهبی آن اجتناب می کرد. از این رو رهبری حزب در معرفی مبانی عقیدتی و اهداف خود در نامه مردم نوشت:

حزب توده ایران نه تنها مخالف مذهب نیست، بلکه به مذهب به طور کلی و مذهب اسلام خصوصا احترام می گذارد و روش حزبی خود را با تعلیمات عالییه مذهب محمدی منافی نمی داند، بلکه معتقد است که در راه هدف های مذهب اسلام می کوشد ... حزب توده ایران حامی جدی تعالیم مقدس اسلام خواهد بود. 4

حزب توده در طول حیاتش جهت حفظ منافع شوروی، کمیته ترور را به رهبری خسرو روزبه تشکیل داد. کیانوری قتل های درون سازمانی را که به دستور رهبری حزب انجام می گرفت به راحتی توجیه و تایید می کند، چون وی معتقد است آنها عضو خانواده بزرگ حزبی هستند، بنابراین مرگ و زندگی تمام اعضا باید به اراده رهبری حزب وابسته باشد. آنچه مسلم است سرقت های بانک ملی دماوند، بانک ملی مرکز و بانک بازرگانی و قتل حسام لنکرانی، محسن صالحی، داریوش غفاری، فاطری و پرویز نوایی 5 به دست سازمان اطلاعات به رهبری دکتر مرتضی یزدی، از طرف هیأت اجراییه هشت نفری و مسوول این سازمان، خسرو روزبه، انجام گرفت و در هیأت اجراییه تایید شد. 6

در واقع بین سران حزب کم نبودن افرادی که هر عمل نامشروع را برای نیل به هدف، مشروع می دانستند هرچند علیه دوستان و رفقای نزدیک خودشان باشد.

حزب توده در زمینه آشنا ساختن افراد جامعه به حقوق و وظایف شهروندی، و بالا بردن دانش و آگاهی آنها از مسائل اجتماعی و سیاسی، سیاست گذاری و شکل دادن

به افکار عمومی هیچ گونه اقدامی انجام نداد.

رهبران حزب توده به لایحه های مختلف اجتماعی کشور در حوزه فرهنگ ملی، مذهبی، آداب و سنن و حتی تاریخ واقعی ایران واقعی نمی نهادند، چون اساس حزب بر افکاری نهاده شده بود که با این مقولات بیگانه بود؛ آنچه در برنامه آموزش رهبری حزب قرار داشت، مارکسیسم - استالینیسم یعنی فرهنگ فراملی بود که مسکو برای همه کشورها تجویز می کرد؛ البته آموزش صنفی - سیاسی حزب خصوصا به کارگران ارائه می شد، ولی این تعلیمات وقتی ارزش واقعی خود را پیدا می کرد که با آموزش های جنبی از قبیل درگیری با مخالفان و خرابکاری در سرمایه های ملی و چماق کشی همراه نبود. حزب توده بهترین فرصت ها داشت که بنیاد يك مبارزه صنفی خود انگیخته یعنی به دور از هدف های سیاسی را بر جای نهد، ولی به جای آن، اتحادیه های صنفی واقعی را تحت نفوذ خود درآورد و وسیله استفاده های سیاسی و حزبی قرار داد.

یکی از کارویژه های احزاب، ایجاد ارتباط بین مردم و زمامداران و تجمیع و انعکاس مطالبات مشروع و قانونی مردم به نظام است، یعنی احزاب، نمایندگان خود را به مقام های دولتی برمی گزینند و این نمایندگان رابط بین مردم و حکومت هستند، اما حزب توده از آن جایی که از میان مردم به وجود نیامده بود و به طور مستقیم به دستور مقامات شوروی تشکیل شده بود، همواره به جای این که سیاست ها و تصمیمات دولت را با مردم در میان بگذارد و مطالبات قانونی و مشروع مردم را به حکومت منتقل سازد، مجری سیاست های شوروی بود.

ایجاد محیطی مسالمتآمیز جهت حل و فصل اختلافات یکی از کارویژه هایی بود که برای احزاب برشمردیم، ولی حزب توده برعکس آن عمل می کرد؛ آشوب و درگیری در سرلوحه کارهای آن قرار داشت. بیشتر زد و خوردها با پلیس و با اعضای احزاب مخالف حزب توده، در برابر مراکز و کانون های حزبی، حزب توده و شعبات و شاخه های آن به وقوع می پیوست. ناصر نجمی می نویسد:

در جریان بعضی فعالیت های سیاسی و حزبی که در شهرهای شمالی داشتیم، ناگزیر افراد این حزب، ما را به عرصه مبارزه می کشانند و اگرچه هدف ما به هیچ وجه مبارزه رویارو نبود، بلکه يك مبارزه منطقی و ایدئولوژیکی به شمار می رفت، ولی ماجراجویان و هنگامه طلبان حزب توده در شهرستان ها، غیر از این می اندیشیدند و راه دیگری را برمی گزیدند.⁷

استقلال یکی از شاخصه های نهادینگی احزاب است و اگر يك حزب نماینده منافع گروه های اجتماعی باشد، میزان استقلال آن بیشتر است و درجه بالای استقلال، نشان دهنده سطح بالای نهادینه شدن آنهاست، اما حزب توده دست نشانده دولت شوروی و تأمین کننده منافع آن کشور بود؛ بنابراین طبیعی است که هر وقت حزبی به کشوری وابسته باشد، در صورت عدم حمایت آن کشور از آن حزب، حزب مزبور تعطیل خواهد شد.

ب) حزب توده بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به دنبال ایجاد فضای باز سیاسی، مسأله فعالیت حزب توده در داخل کشور و انتقال کمیته مرکزی آن از آلمان شرقی به ایران، مورد توجه مقامات حزب کمونیست شوروی و کا. گ. ب قرار گرفت. نورالدین کیانوری که به عنوان يك مهره اطلاعاتی - تشکیلاتی به جای ایرج اسکندری به دبیر اولی حزب منصوب شد.

حزب توده برای اجرای منویات خودش، دو سیاست عمده را در پیش گرفت: 1 - مسخ انقلاب یا براندازی خزنده؛ 2 - براندازی ضربتی یا کودتای چپ.

مسخ انقلاب عبارت است از تلاش همه جانبه برای جذب نیروها و جنبش ها و انقلابات رهایی بخش جهان سوم به مدار وابستگی به بلوک شرق. به همین دلیل حزب توده در وهله اول کوشید تا شاید يك جناح متمایل به شرق را در حاکمیت اسلامی بیابد و آن را به پایگاه خود برای مسخ انقلاب اسلامی بدل سازد و زمانی که از این تلاش ناامید شد، کوشید تا از طریق محدود عوامل نفوذی خود در رده های مختلف مشاغل و مقامات دولتی چنین جناحی را ایجاد کند و آن را جناح روشن بین حاکمیت نامید.

منظور از براندازی ضربتی یا کودتای چپ این است که حزب توده که همواره کودتا را یکی از راه حل ها می دانست، در سال های 1358 - 1361، همزمان با طرح ((براندازی خزنده))، طرح کودتا به عنوان آلترناتیو در نظر گرفت تا در صورت ناکامی طرح نخست و در شرایط پیدایش وضع انقلابی (بحران سیاسی در کشور) آن را اجرا کند. مقدمات این طرح از بهمن 1357 آغاز شد و بعدها به ویژه در سال 1360 تدارکات کافی فراهم شد.

با توجه به عملکرد حزب توده در سال های 1320 - 1332 و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نکات ذیل قابل توجه است: در هر دو مقطع تاریخی حزب توده سخت از غیرقانونی شدن پرهیز دارد و می کوشد تا به هر بهایی سیاست های واقعی خود را مکتوم دارد؛ همان گونه که در دوره اول فعالیت علنی (1320 - 1327) حزب توده خود را مقید به قانون اساسی مشروطه سلطنتی وانمود می کرد، در دوره دوم فعالیت علنی (1358 - 1361) نیز خود را وفادار به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وانمود می کرد؛ همان طور که در دوره اول با مظلوم نمایی شهرت کمونیستی را اتهام وارده از سوی سید ضیا و دار و دسته حزب ((اراده ملی)) تبلیغ می کرد، در دوره دوم نیز شهرت جاسوسی را اتهامات قالبی ساواک و تبلیغات آریامهری می خواند و نیز همان گونه که در دوره اول حزب توده خود را مقید به ((اصل استقلال ملی)) وانمود می ساخت، در دوره دوم نیز خود را مقید به اصل ((نه شرقی - نه غربی)) اعلام می داشت. اما پس از انحلال (در سال های 1327 و 1362) که دیگر حزب از اهرم های قانونی و فعالیت علنی ناامید شده بود، ماهیت سیاست های خود را به صراحت

بیان می داشت.

نقش اصلی حزب توده در دوره بعد از انقلاب اسلامی سوق دادن جامعه به سمت شوروی از طریق استراتژیهای پنهان کاری و مبارزه پوشیده بود، نه انجام کارویژه های احزاب مانند آشنا ساختن افراد جامعه به حقوق و وظایف شهروندی، بالا بردن سطح دانش و آگاهی های آنها، انجام پژوهش ها و بررسی های علمی، پرورش رهبران آینده جامعه تشویق افراد به شرکت در انتخابات و استفاده از حق رای.

2. حزب اراده ملی

یکی دیگر از تشکیلاتی که با استفاده از فضای باز سیاسی دهه 1320 ظهور پیدا کرد، حزب اراده ملی به رهبری سید ضیاءالدین طباطبایی بود که در بهمن 1323 تأسیس شد. همان طور که هدف تأسیس اکثر احزاب دهه بیست، مبارزه و مخالفت با احزاب رقیب بود، هدف حزب اراده ملی نیز مبارزه با حزب توده بود. حزب اراده ملی اگرچه، به عقیده اکثر صاحب نظران، از انسجام تشکیلاتی بالایی برخوردار بود و پس از حزب توده یکی از منظم ترین و تشکیلاتی ترین و قویترین احزاب سیاسی در ایران به شمار می رفت، ولی مانند حزب توده، به بیگانگان وابسته بود و براساس دستور انگلیسی ها راه اندازی شده بود.

حزب اراده ملی از همان آغاز تا متوقف شدن فعالیت هایش همواره با حزب توده در همه زمینه ها برخورد داشت که به صورت جنگ تبلیغاتی و درگیریهای خیابانی میان اعضا و هواداران دو حزب انجام می شد؛ برای مثال حزب اراده ملی به دفاتر، مطبوعات، چاپخانه ها و هواداران حزب توده حمله می کرد. رسول مهربان در این زمینه می نویسد:

حملات وحشیانه حزب اراده ملی هر روز به حزب توده ایران شدیدتر می شد. حزب اراده ملی از قدرت بی سابقه ای برخوردار بود و دو ایل معروف و مسلح قشقایی و بختیاری از سید ضیاءالدین حمایت می کردند. گذشته از چاقوکشان حرفه ای تهران و فواحش و گزمه های دربار و شهریانی، عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات، جبهه ای از روزنامه نگاران جیره خوار دربار به وجود آورد که مردم را به غارت و کشتن توده آنها تحریک می کرد. 8

همین نویسنده در ادامه می نویسد: ((حزب اراده ملی علنا به حزب توده ایران اعلان جنگ داد. همین جو وحشتناک و متشنج سال 1324 حزب ایران را به حزب توده نزدیک کرد)). 9

خاتمه

عملکرد احزاب سیاسی در ایران، به طور کلی و دو حزب مورد بحث، به طور خاص، نشان می دهد که بسیاری از آنها دارای کمترین میزان آگاهی از کارویژه های احزاب

بودند و به دلیل انحراف از اهداف و کارویژه های راستین خود، نه تنها به عنوان سازوکارهای مشارکت و جامعه مدنی نقش رابط میان دولت و جامعه را ایفا نکردند، بلکه موجب تشدید خشونت و سرکوب عناصر دموکراسی از طرف حکومت شدند. بسیاری از جمعیت ها، گروه ها و جریانات و احزاب سیاسی در ایران ریشه در مسائل و وقایع خاص زمانی و مقطعی داشته اند. برخی از آنها صرفاً جهت مقابله با گروه ها و جریانات فکری و سیاسی مخالف یا نیروهای متعارض داخلی و خارجی به وجود آمده و تمامی تلاششان در مبارزه با رقیب، نابودی یا خارج کردن آنها از صحنه سیاسی از راه های قانونی و غیرقانونی، خشونتآمیز یا غیرخشونتآمیز بوده است.

در واقع احزاب سیاسی ایران نتوانسته از فرصت های به دست آمده در جهت نهادینه کردن دموکراسی و تثبیت نهادهای مدنی سود ببرد. در برهه هایی که برای فعالیت های سیاسی پیش می آمد، این فعالیت ها آن چنان صرف مبارزات بیهوده و کشمکش های فرعی و انحرافی می شد که همه بازیگران سیاسی، دشمن اصلی آزادی و عدالت اجتماعی و ملت را فراموش کرده و به جای پایه ریزی یک بنای مستحکم برای حاکمیت مردمی و حل معضلات اصلی جامعه، به درگیری و خشونت بین حزبی سرگرم می شدند.

اگر فعالیت احزاب در فرصت های به دست آمده در خدمت مبارزات اصیل سیاسی قرار می گرفت، این امکان وجود داشت که فرهنگ تحزب در ایران نهادینه شده و بسیاری از ناخالصی ها و آلودگی را از خود دور کند، ولی در تاریخ سیاسی معاصر در فرصت هایی که مبارزات پارلمانی تا حدودی رونق می یافت این فرصت ها آن چنان از جنجال ها، درگیریها، پرخاشگریها، حذف ها، اتهامات، التهابات و هیجانان سیاسی و اجتماعی پر می شد که هرگز جایی برای عادی شدن رفتارهای سیاسی و گروهی باقی نمی ماند تا در آن شرایط احزاب بتوانند نقش های اصیل و کارکردهای اجتماعی خود را ایفا کنند، ((پیرا اغلب سیاست مداران رقیب بر سر موضوعات خصوصی با یکدیگر نزاع و مبارزه می کردند و کمتر اتفاق می افتاد که دو نفر سیاست مدار و یا دو جمعیت سیاسی روی بعضی مسائل عمومی و نواقص برنامه ها و هدف های اصلاحی با یکدیگر وارد جر و بحث شوند)).¹⁰

بنابراین می توان گفت یکی از علل مهم نهادینه نشدن احزاب، اتخاذ استراتژی نادرست از سوی احزاب برای ابراز مخالفت خود علیه همدیگر و حکومت بود.

یکی از کارکردهای مهم احزاب سیاسی این است که ضمن تجهیز و بسیج نیروهای پراکنده اجتماعی در جهت مشارکت سیاسی، تلاش کنند تا مبارزه سیاسی را از حالت قهرآمیز خارج سازند؛ مبارزه ای که در جهت مشارکت های سیاسی انجام می گیرد با مفهوم مبارزه به طور اخص که در سایر مقوله ها و پدیده ها به کار گرفته می شود و غالباً با خشونت همراه است تفاوت دارد. آنچه در جامعه سیاسی ایران موجب ناپایداری احزاب گردید، نوع تلقی جامعه از مفهوم خاص مبارزه سیاسی بود نه مفهوم مبارزه در

مشارکت سیاسی. تلقی جامعه و فعالان سیاسی از مبارزه سیاسی با مفهوم مبارزه در سایر موارد یکی شده بود. در صورتی که برای پایداری احزاب سیاسی باید بین این دوگونه تلقی تفاوت قائل شد. حیات حزبی با روح مبارزه خشونت‌آمیز مغایرت دارد. وقتی تلقی جامعه از مبارزه در فعالیت سیاسی با خشونت همراه باشد، در آن صورت احزاب به مثابه شناخته شده ترین ابزار پیکار سیاسی برای شکست مخالفان و کسب قدرت به هر وسیله از جمله به کارگیری روش های حذف و خصمانه مورد استفاده قرار می گیرد. آنها برای تحقق اهداف خود آن چنان غرق در ستیزش حزبی می شوند که حتی به فروپاشی نظام اجتماعی و وحدت ملی و منافع عمومی جامعه نیز توجهی ندارند و امنیت و سلامت جامعه برایشان اهمیتی به مراتب کمتر از اهداف گروهی خواهد داشت و آنچه برای آنان مهم خواهد بود مبارزه و شکست دشمن (حزب رقیب) است نه چیز دیگری.

پی نوشت ها

- 1- دانش آموخته حوزه علمیه قم، کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
- 2- عبدالحمید ابوالحمد، مبانی سیاست (تهران: انتشارات توس، چاپ ششم، 1370) ص 405.
- 3- احمد نقیب زاده، ((عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی))، اطلاعات سیاسی. اقتصادی، ش 8 (1368) ص 9. 10.
- 4- الهه کولایی، استالینسم و حزب توده ایران (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376)، به نقل از: ((اعلامیه هیأت اجرائیه به رفقای حزبی))، نامه مردم، شماره اول، دوره پنجم (15 دی 1325).
- 5- پرویز نوایی از اعضای نفوذی حزب در رکن دو ارتش و عضو سازمان جوانان که به دستور کمیته مرکزی به قتل رسید. داریوش غفاری، فاطری و صالحی هر سه از اعضای نفوذی حزب در رکن دو ارتش بودند.
- 6- سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1370) ص 141.
- 7- ناصر نجمی، خاطرات سیاسی حوادث تاریخی ایران از شهریور 20 تا 28 مرداد 1332 (بی جا: انتشارات کلینی، 1370) ص 120.
- 8- رسول مهربان، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری و ... (بی جا: انتشارات پیک ایران، بی تا) ص 24.
- 9- همان.
- 10- جورج لئروسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین (تهران: جاویدان، 1353) ص 194.